

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ لِأَنَّنا نَجْحُنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ قَادِرُونَ

سیاسی مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است. زیرا که ما

عَلَى قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ النُّصُوصِ التَّبْسِيطَةِ. در سال گذشته قبول شدیم و

می توانیم عبارات ها و متن های ساده ی عربی را بخوانیم.

نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، لِأَنَّهَا لُغَةُ دِينِنَا، وَ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ مَخْلُوطَةٌ

بِهَا كَثِيرًا. (زبان) عربی، زبان دین ماست و ما به آموختن آن نیازمندیم.  
چراکه زبان فارسی با آن بسیار آمیخته است.

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنَ اللُّغَاتِ الْعَالَمِيَّةِ.

البته زبان عربی از زبان های بین المللی است.

الْقُرْآنُ وَ الْأَحَادِيثُ ﴿بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾

قرآن و احادیث (تیز) به زبان عربی آشکار و روشن هستند.

الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي مُنْتَظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

زبان عربی از زبان های رسمی سازمان ملل متحد است.

الْإِيرَانِيُونَ حَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا. «الفیروزآبادی» كَتَبَ مُعْجَمًا فِي

اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «القاموس المَحِيطُ» وَ «سَبَوِيَه» كَتَبَ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي

قَوَاعِدِ اللُّغَةِ اسْمُهُ «الْكِتَابُ».

ایرانیان به زبان عربی خدمت زیادی کردند. «فیروز آبادی» کتاب فرهنگ واژه

های عربی به نام «قاموس محیط» نوشت.

و «سبویه» نخستین کتاب کاملی در دستور زبان عربی نوشت که اسمش «الکتاب

است»

بیشتر نام های پسران و دختران در جهان اسلام عربی است.

أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

الْكَلِمَاتُ الْعَرَبِيَّةُ، كَثِيرَةٌ فِي الْفَارْسِيَّةِ وَ هَذَا بِسَبَبِ احْتِرَامِ الْإِيرَانِيِّينَ لِلُّغَةِ الْقُرْآنِ.

کلمات عربی زیادی در فارسی وجود دارد و این به خاطر احترام ایرانی ها به زبان قرآن است.

أَنَا أَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتٍ كَثِيرَةٍ وَ أَذْكَرُ كُلَّ كَلِمَاتِ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ أَقْدِرُ عَلَى

من معنی کلمات زیادی را می دانم. و همه ی کلمات پارسال را نام می برم

قِرَاءَةَ النُّصُوصِ التَّبْسِيطَةِ. جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ:

«أَلْعَلُّمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»

«دانش در کودکی چون نقش زدن و حک کردن روی سنگ است»

يَا أُخِي، أَأَنْتَ تَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتِ الْكِتَابِ الْأَوَّلِ أَيْضًا؟

برادرم! آیا تو نیز معنی کتاب اول (هفتم) را می دانی؟

يَا أُخْتِي، أَأَنْتِ تَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟

خواهرم! آیا تو معنی ساده آیات و احادیث را می فهمی؟

● با توجه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

نادرست

درست



۱. قَلِيلٌ مِنْ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

کمی از نام‌های پسران و دختران در جهان اسلام عربی است.



۲. كَتَبَ سَيِّبُوهٖ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

سیبویه نخستین کتاب کامل دستور زبان فارسی را نوشت.



۳. كَتَبَ الْفِيْرُوزْآبَادِيُّ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

فیروزآبادی یک فرهنگ لغت عربی نوشت.



۴. الْإِيْرَانِيَّوْنَ حَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ قَلِيْلًا.

ایرانیان خدمت کمی به زبان عربی کردند

## التَّحْرِيْرُ الثَّانِي

● ترجمه کنید.



يَا سَيِّدَةً، مَاذَا تَفْعَلِينَ؟

أَقْرَأُ كِتَابَ الشُّعْرِ.

ای خانم! چه کار می‌کنی؟  
شعری می‌خوانم.



يَا وَلَدٌ، مَاذَا تَفْعَلُ؟

أَنْظُرُ إِلَى صُورَةٍ.

ای پسر! چه می‌کنی؟  
به عکس نگاه می‌کنم.



أَتَذْهَبِينَ مَعَ أُخْتِكَ؟

لَا؛ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقَتِي.

آیا با خواهرت می‌روی؟  
نه؛ با دوستم می‌روم



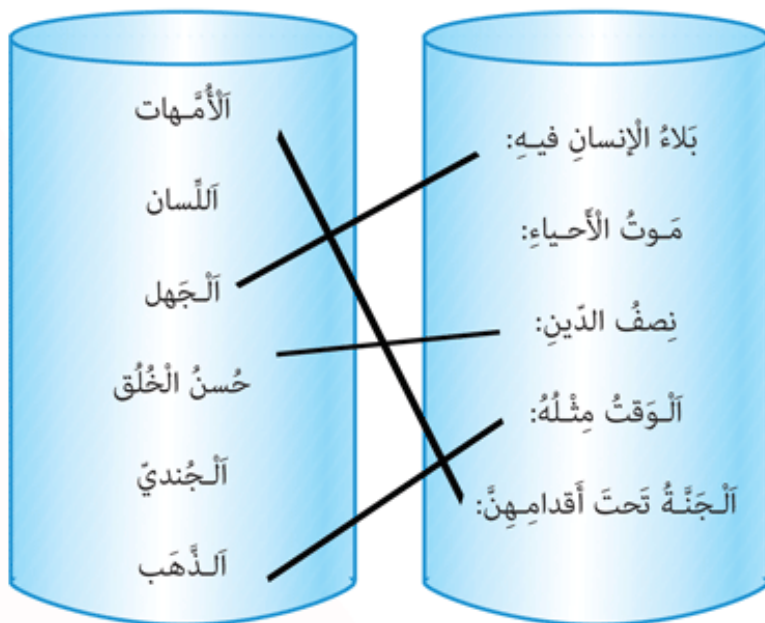
هَلْ تَصْنَعُ كُرْسِيًا؟

لَا؛ أَصْنَعُ مِيزَةً.

آیا صندلی می‌سازی؟  
نه؛ میز می‌سازم.

## التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● هر کلمه را به توضیح مرتبط با آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است».



## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● ترجمه کنید. سپس فعل ماضی و مضارع را مشخص کنید.

۱. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» الأنبياء ۳۰

و به وسيله ی آب هر چیز زنده ای را قرار دادیم (پدید آوردیم).

۲. أَنْتَ حَفِظْتَ سُوْرَةَ النَّصْرِ وَ الْآنَ تَحْفَظِيْنَ سُوْرَةَ الْقَدْرِ.

تو سوره ی نصر را حفظ کردی و اکنون سوره ی قدر را حفظ می کنی

۳. أَنَا تَخَلْتُ الصَّفَّ الثَّانِي وَ أَنْتَ تَدْخُلُ الصَّفَّ الْأَوَّلَ.

من وارد کلاس دوم شدم و تو به کلاس اوّل وارد می شوی.

۴. أَنْتَ قَبِلْتَ كَلَامَ وَالِدِكَ وَ الْآنَ تَعْمَلُ بِهِ.

تو حرف پدرت را پذیرفتی و اکنون آن را به کار می بندی.

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. أَنْتِ ..... بِجَمْعِ الْقَوَاكِبِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ؟ بَدَأْتُ  تَبَدَّدْتِنِ   
 آیا تو دو روز بعد جمع کردن میوه ها را شروع می کنی
۲. أَنْتِ ..... الْبَابَ قَبْلَ دَقِيقَتَيْنِ؟ طَرَقْتُ  تَطَرَّقْتُ   
 آیا تو دو دقیقه پیش در زدی؟
۳. أَنَا ..... عَنِ طَرِيقِ الْجَنَّةِ فِي حَيَاتِي. بَحَثْنَا  أُبْحَثُ   
 من راه بهشت را در زندگی می یابم
۴. يَا أُخْتِي، هَلْ ..... التَّفَاحَةَ قَبْلَ دَقِيقَةٍ؟ أَكَلْتُ  شَرِبْتُ   
 خواهرم! آیا آن سیب را کمی بعد می خوری؟
۵. أَنْتِ ..... فِي الْمَصْنَعِ أُمْسٍ؟ عَمِلْتُ  تَعْمَلِينَ   
 آیا تو دیروز در کارخانه کار کردی؟

### التَّمْرِينُ السَّادِسُ

مانند مثال ترجمه کنید.

				 		←
نَظَرَ: نگاه کرد	أَنْظُرُ	نگاه می کنم	تَنْظُرُ	نگاه می کنی	تَنْظُرِينَ	نگاه می کنی
سَأَلَ: پرسید	أَسْأَلُ	... می پرسم ...	تَسْأَلُ	... می پرسی ...	تَسْأَلِينَ	... می پرسی ...
سَمَحَ: اجازه داد	أَسْمَحُ	اجازه می دهم	تَسْمَحُ	اجازه می دهی	تَسْمَحِينَ	اجازه می دهی
ذَكَرَ: یاد کرد	أَذْكُرُ	یاد می کنم	تَذْكُرُ	یاد می کنی	تَذْكُرِينَ	یاد می کنی

● با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست آورید.

امْرَأَةٌ / عَالَمٌ / لُغَةٌ / كَلَامُكَ / سِتَّةٌ / قَدَرْتُ / نُصُوصٌ / تَعَلَّمْتُ / تَفْهَمُ / سَهْلٌ / صَنَعْتُمَا / بَسِيطٌ /  
رَفَعْتُ / نَجَّحُوا / أَيْضًا

رمز ↓

				۱
				۲
				۳
				۴
				۵
				۶
				۷
				۸
				۹
				۱۰
				۱۱
				۱۲
				۱۳
				۱۴
				۱۵

۱. جهان **عالم**
۲. زبان **لُغَةٌ**
۳. یاد گرفتن **تَعَلَّمْتُ**
۴. موفق شدند «مذکر» **نَجَّحُوا**
۵. بالا بردی **رَفَعْتُ**
۶. ساده **بَسِيطٌ**
۷. شش **سِتَّةٌ**
۸. می فهمی «مذکر» **تَفْهَمُ**
۹. متن‌ها **نُصُوصٌ**
۱۰. توانستم **قَدَرْتُ**
۱۱. همچنین ، **أَيْضًا**
۱۲. آسان **سَهْلٌ**
۱۳. ساختید «مثنی» **صَنَعْتُمَا**
۱۴. سخن تو **كَلَامُكَ**
۱۵. زن **امْرَأَةٌ**

رمز: « ..... علی (ع) : التجربة فوق العلم ..... » حضرت علی (ع)

● در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».

..... أنا بخير	كَيْفَ حَالِكِ؟	١. كَيْفَ حَالُكَ؟
..... إسمي سعيدة	مَا اسْمُكَ؟	٢. مَا اسْمُكَ؟
..... أنا طالبة	مَنْ أَنْتِ؟	٣. مَنْ أَنْتِ؟
..... أنا، من مشهد	أَيْنَ أَنْتِ؟	٤. أَيْنَ أَنْتِ؟
..... لا؛ أنا من مشهد.	هَلْ أَنْتِ مِنْ كَرْجِ؟	٥. هَلْ أَنْتِ مِنْ كَرْجِ؟

### كُنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ. رسول الله ﷺ  
برای هر چیزی راه و روشی است و راه بهشت دانش است.

الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ. رسول الله ﷺ  
دانش بالاتر از پرستش است.

زَكَاةُ الْعِلْمِ تَنْشُرُهُ. الإمام علي عليه السلام

زکات دانش، انتشار و آموزش آن است.

مَنْ سَأَلَ، عَلِمَ. الإمام علي عليه السلام

هر کس پرسد، آگاه می شود (می داند).

مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ. الإمام علي عليه السلام

هر که دانشی را پنهان کند، پس گویا نادان است.